

«قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر»

اسرعیت مکر الله

در خلال بحث‌های گذشته به معنی آیه کریمه: «قل کل بعمل علی شاکلته»: «۸۱ از سوره اسراء» اجمالاً اشاره نمودم و گفتم: در اثر متابعت متکرر از هوای نفسانی، و اطاعت پیاپی از فرمان شیطانی سجایای رذیله و اخلاق ذمیمه در نفس انسان شکل می‌گیرند، و بالطبع اراده‌اشی از این اخلاق و سجایا هم‌رنگ آنها، و عمل و کردار ناشی از چنین اراده‌ای نه عمل و کرداری است پلید و نفس‌منشکل بچنان صفات، همان نفس‌اماره به سوء است، و مدلول آیه مزبور همین است که هر کس برطبق سجایا و خلق خویش عمل می‌نماید.

چون در این مقاله جزئی از آیه ۲۱ از سوره یونس علیه السلام یعنی فقرة «قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا نَمْكُرُونَ» بگو خدا مکرش سریعتر است زیرا فرشتگان ما تیرنگان را بر زبانان رقم می‌زنند مورد بحث قرار گرفته و با معنی شاکله مرتبط است، مناسب دیدم که تحلیلی در معنی شاکله انجام گیرد، و با کمک آن، مقصود از اسرعیت مکر الله و وساطت فرشتگان علیهم السلام در این جهت روشن گردد:

راغب در مفردات می‌گوید: «أصل المُشَاكَلَة من الشکل ای تقید الدابة والشکال ما یقید به وقوله: «كُلُّ بَعْمَلٍ عَلٰی شَاكِلَتِهِ» ای علی سببیه التي قیدته وذلك ان سلطان الشجبة علی الانسان قاهر».

«ریشه مشاکله از شکل یعنی بند نهادن بر چهار پا است، و شکال ریسمانی است که چهار پا بدان بند می‌شود، و شاکله در آیه بمعنی سببیه است که همچون شکال انسان را مقید می‌کند، زیرا انسان مقهور سلطنت سببیه خویش است».

* ریشه معنای شاکله * معنی خلق و خلق
* اختیار در آفرینش سجایا * تبیین اسرع بودن
مکر خدا * پیام انستیتوی ماساچوست برای
ابرقدرتها * ابرقدرتها هر روز از خون گرم دوش
می‌گیرند تا اعصابشان تسکین یابد * افسانه
ماهی «الجوع» حضرت سلیمان علیه السلام
که دو قورت و نیمش باقی مانده بود * خلاعت
و بی شرمی که روی بی بی تمیز را سفید کرد *
وضوی نشکن طرفداران حقوق بشر سناریوئی
بنام ایدئولوژی خونبهای جوانان و افسون
شدگانی چون لومومبا، سود سیاسی می‌شود *
جواب چوئن لای به حسنین هیکل مدیر
الاهرام که در سیاست خلاعت مطرح است نه
شرافت! * هنوز جوهر اساسنامه سازمان ملل
نخشکیده... * ظاهراً سازمان ملل بنگاه
معاملاتی و دفترخانه ابرقدرتهاست».

«قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر»

گفت انسان پاره‌ای ز انسان بود پاره‌ای از نان یقین که نان بود و توجه باین نکته لازم است که نقش ما در خودسازی، و ایجاد سجایا و ملکات، نقش فاعل تام یعنی افاده کننده وجود آنها نیست، بلکه تکرار عمل اختیاری، روح و نفس ما را برای پذیرفتن شکل ثابتی که همان خلق و سبجه است مهیا می‌کند، و وقتی که نفس و جان، چنین آمادگی یافت و قابل تام شد، افاضه صورت ثابت از واهب الصور که فاعل تام است، ضروری است.

و مقدمتین قیاس نمی‌توانند مولد و موجد نتیجه باشند، بلکه مقدمتین هر قیاسی، نفس را اعداد و آماده می‌کنند، و از حضرت واهب العلوم نتیجه بوی افاضه و موهبت می‌شود.

پس نقش ما در آفرینندگی سجایا و ترسیم اخلاق، نقش فاعل معذ است نه فاعل مفیض یعنی ما با تکرار عمل اختیاری، لوحه نفس و روح خویش را آماده می‌کنیم، و حضرت واهب العطا یا با ایادی فرشتگان و سائط فیض و عطا، سبجه و صفت متشابه با عمل را کتابت و نقاشی می‌فرماید: «بایدی سفره کرام برره» (آیه ۱۶ سوره عس) و همین است معنای «ان رسلنا یکتوبون ما نمکرون» یعنی این عمل خدعه و فریب قبل از آنکه در غیر تاثیر کند در روح و نفس خودتان اثر می‌گذارد و با دستهای سفراء و فرشتگان، سبجه خدعه و مکر در نفوستان بنیان نهاده می‌شود و روشن تر: معنی کتابت فرشتگان اعمال بندگان را عبارت از این است که اعمالشان را از کمون قوه و استعداد به مرحله فعلیت می‌رسانند، و وجود فعلی اعمال و افعال از خزاشن غیب بوسیله ملائکه تنزل می‌یابد، و بنابراین وجود اعمال فریکارانه هر فریبنده و دغلكاری از کمون بعرضه ظهور باذن خداوند متعال با کرام برره و فرشتگان مدبر امر الهی انجام می‌پذیرد، پس چگونه ممکن است با خداوند متعال و با احکام و آیات او مکر نمودن؟ «قل الله اسرع مکرا».

مگر مکر، این نبوده که غیری را با حيله و تعمید از مقصدش منصرف نمودن، چگونه چنین عملی را ممکن است بخدا و احکامش

انجام داد؟! بلکه مکر با خدا و خواسته‌های او و شریعت و دینش همانا مکر و فریب بسا خود است و سریعتر دامنگیر خودشیدان می‌گردد، و آنان را مفتضح و رسوا می‌کند و حتی ادراک فصاحت و رسوائی هم گویی از آنها سلب می‌شود، و خلاعت و بی شرمی صورت نوعیه آنان می‌گردد، تا آنجا که کامپیوتر انستیتوی نکتولوژی ما ساجوست برای این بی شرمهای خلیع پیام فرستاده و اعلام داشته که ظرف یکصد سال آینده این ستمکاران جهانی و ستم شدگان هر دو گروه محکوم به مرگند. زیرا فضای آکنده از آلودگی و فساد و گرسنگی که بدست این جنایتکاران بوجود آمده قابل ادامه حیات نخواهد بود و جملگی نابود می‌شوند، و اینها با چنین طبل رسوائی حفاکشی از حفظ حقوق بشر دم می‌زنند و هر کشور که برحق سوزی آنان گردن نهد، متهم بنقض حقوق بشر می‌شود!

این ابرگرگهای بی دم که هر روز با خون گرم هزاران پیر و جوان خرد و کلان دوش ولزم می‌گیرند، و اعصاب جهنمی خویش را با آن نسکین می‌دهند، هم زمان با این دوش خون، قسمت هائی چشمگیر از مخازن و معادن و منابع بزی و بحری ملل مظلوم را نیم قورت می‌کنند و چون دو قورت و نیمش باقی‌مانده برای تأمین آن، ناله «الجوع الجوع» علی الدوام سر می‌دهند.

مرحوم میرزا هدایت الله طالقانی خدا پیامرز معلم دروس ابتدائی من، آن مرد صالح در پاسخ سنوال از ماهی «الجوع» می‌گفت:

«روزی سلیمان حشمت الله علیه السلام برای همه حیوانات روی زمین اهم از زمینی و آبی و هوائی در کنار دریا مهمانی ترتیب داد و حدود ششماه تدارکات غذائی در این ساحل جمع شد و مدعوین حضور بهم رسانیدند، حضرت حشمت الله پرسید همه مهمانها حاضر شده‌اند؟ پیش خدمت بعرض رسانید که ماهی نهنگ نیامده، حضرت، ههد را بدبالتش روانه نموده چون نهنگ پیام حشمت الله را شنید خود را بطرف ساحل نزدیک کرد، حضرت فرمودند چرا دیر کردی؟ عرض کرد: از فرط ضعف و گرسنگی توان حرکت نداشتم، سلیمان فرمودند: مقداری غذا عجاله بریزند تا نهنگ قدرت گرفته با مدعوین یکجا سر سفره جمع شوند، نهنگ آن مقدار را خورد. فریاد کرد: «الجوع» مقداری دیگر دادند و خورد و فریادش به «الجوع» بلند شد و به تدریج تمام تدارکات غذائی ششماهه را بدم درکشید و باز فریاد برآورد: «الجوع» حضرت فرمود مگر غذای روزانه ات چقدر است؟ عرض کرد: سه قورت حضرت فرمودند: اینها که خوردی چند

قورت بوده؟ عرض کرد: نیم قورت، حضرت سلیمان علیه السلام با حالت خنده فرمودند: پس دو قورت و نیم دیگر باقی است؟ عرض کرد: بلی قربان.

بلی این نهنگ «الجوع» ابرقدرت که جوعش از منخ «جوع الکلب» است همیشه دو قورت و نیمش باقی است و اگر حشمت الله عصر سؤال کند: «هل امتلات؟» می گوید: «هل من مزید».

این درندگان بنی نوع خویش با اینهمه حقوق و ذوی الحقوق سوزی، خود را مدافع حقوق بشر معرفی می کنند، زهی خلاعت و بی شرمی! سفید باد روی بی بی تمیز خالدار؟ همانطور که وضوی آن روسپی، نشکن بوده و همچون سد سکندر نفوذ ناپذیر بوده، وضوی طرفداری حقوق بشر این روسپی های نابشر نیز باین همه خلاعت و جنایت و درندگی و هرچه بدتر، شکسته نمی شود!

منطقشان در توجیه این خلاعت و وقاحت این است که: «در سیاست، مسائل شرف انسانی، و التزام و پای بندی بمواثیق و عهد، مطرح نیست»!

باستاریو ایدئولوژی که جز بکشت حرقهای چرند و برند نیست با معرکه گیری ویژه ای، تقریباً نصف معموله زمین را افسون می کنند، و جوانان افسون شده را همانند برگ خزان برای تحقق اهداف سیاست و سود خویش فرو می ریزند، و در بحرانی ترین اوضاع، فراموششان نموده، واستغاثه این افسون شدگان را نمی شنوند و سرانجام خون های فرو ریخته آن را ثمن معامله سیاسی و اقتصادی قرار می دهند و خون آشام ها را بضیافت می خوانند و تهتیت ها و تبریکات صمیمانه نثار نموده و پذیرائی گرم بعمل می آورند.

لومومبا افسون شده همین ایدئولوژی بوده که در مقابل استعمار آن مقاومت تحسین انگیز را نمود و نهایت دیدیم موبوتو رئیس دولت کنگوی سابق بلژیک، قاتل لومومبارا به پکن دعوت می کند و از وی پذیرائی می نماید و وقتی حسنین هیکل مدیر الاهرام مصر در همان جلسه پذیرائی و ضیافت از چوئن لای نخست وزیر چین سؤال می کند: «باهمه احترامی که به لومومبا دارید و یکی از دانشگاه های خود را هم بنام او کرده اید چطور حاضر بدعوت موبوتو قاتل او شده اید و آیا این ژست، دهن کجی به نهضت چپ گرایان جهان نیست؟!»

او در جواب می گوید: «ما باین موضوع کاملاً وقوف داریم

ولی ما اکنون در راه ایجاد رابطه سیاسی با دنیا هستیم و در سیاست این مسائل مطرح نیست»؟

او می گوید ما اهل معامله ایم و دبه و خونبهای طرفداران افسون شده ما، سود و منفعتی است که از حریف استعمار می ستانیم و در سیاست، خلاعت مطرح است، نه شرافت و انسانیت و همین است همزیستی مسالمت آمیز یعنی عهارت و پیوند نامشروع جهان سوسیالیستی با دنیای امپریالیستی و نتیجه آن، ناامنی و فتنه جهانی؟

و ظاهراً نقش سازمان ملل در این میان نقش بنگاه معاملاتی و احياناً دفتر خانه اسناد رسمی ابرقدرتها است زیرا این سازمان که بعد از جنگ جهانی دوم تأسیس شد هنوز جوهر اساسنامه اش نخشکیده بود که ماجرای غمبار فلسطین پدید آمد و کشتارهای فجیعانه اش هنوز ادامه دارد و چیزی از شعله جنگ فلسطین نگذشته بود که داستان ملی شدن کانال سوئز، بهانه تهاجم مثلث شوم انگلستان و فرانسه و اسرائیل را بخاک مصر موجب شد، و آنگاه آتش جنگ بشدیدترین وجه در ویتنام زبانه کشید و نوشته اند در ظرف دوازده سال جنگ ویتنام، مقدار بمبی که بر سر این کشور و مردم بی دفاعش ریختند سه برابر بمبی بوده که در جنگ جهانی دوم مصرف شد و زفیر و شهبق آتشیهای فروزان در طول این مدت بلند است و هم اکنون همه ما شاهدیم که دولت به اصطلاح سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی که خود را طرفدار کارگران جهان می داند تجاوز خود را بخاک کشور کارگران فقیر افغانستان شش سال است ادامه می دهد اینهمه کشتار سبعانه نموده و جنگ رسوای ویتنام دیگری را در تاریخ ثبت کرده و حدود هفت میلیون مردم این کشور آواره شده اند و تهاجم استعمار به کشور جمهوری اسلامی ایران بوسیله دجال بین النهرین و آنهمه کشتار و قساوت در لبنان و دیگر نقاط، همه و همه در جلو چشم سازمان ملل واقع شده و می شود، و کلاً در آن مجمع مطرح می گردد، و ظاهراً این سازمان، نقش بنگاه معاملاتی و دفتر خانه اسناد رسمی برای ابرقدرت های سوداگر را بازی می کند نه نقش دیگر را و حاصل آنکه مکر این شیادان پیش از آنکه بدیگران تأثیر کند دامن خود آنها را گرفته و از نوع انسانی بیرون رفته و صفات آدمیت از آنها سلب گردیده است.

«قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا بِكُتُوبٍ مَاتَمَكْرُونَ»